

پیش‌خوان

«مبانی دینی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» در آیینۀ یک پژوهش

نظام‌نامه‌ای مبتنی بر احکام الهی

■ شاهد توحیدی



انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گماشته است.
تا زمانی ناشر در توصیف اهمیت موضوع این کتاب، به نکات بی آمده اشارت برده است: «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بازتاب طبیعی و میناق بزرگ انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) بود که در شرایط خاص اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تحت تأثیر عقاید و افکار و آرمان‌های انقلابی تدوین شد و به تصویب نهایی رسید.این قانون که بنیانگذار جمهوری اسلامی به‌حق آن را بزرگ‌ترین ثمره‌جمهوری اسلامی نامید، پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی با اکثریت آرای نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی، در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ به تصویب رسید و ملت ایران نیز در همه‌پرسی دوازدهم آذر همان سال، با ۹۹/۵ درصد آرا به آن قاطعانه رأی مثبت داد.
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دلایل گوناگون، از ویژگی‌های منحصر به‌فرد و برجسته‌ای برخوردار است.نخستین و مهم‌ترین آنها این است که این قانون تجسم آرمان‌ها، عقاید و ارزش‌هایی است که مردم مسلمان ایران در پی تحقق آن بودند. تمامی محتوا و اصول این قانون که مبنی نهاد‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است، در فضایی برخاسته از شرایط خاص انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت و تدوین یافت و به همین



۱۳۵۸. شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد بهشتی در مجلس خبرگان قانون اساسی

دلیل هرگز نمی‌توان رابطه علمی و منطقی بین درک صحیح و نوجه اصول آن را با تاریخ سیاسی مذهبی انقلاب اسلامی نادیده انگاشت. مردم ایران ابتدا در همه برسی دهم و یازدهم فروردین ۱۳۵۸ پس از سال‌ها مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی و کوتاه کردن دست اجانب از ایران به اسلامی‌بودن نظام و حکومت جدید در این کشور رأی مثبت دادند و سپس در همه‌پرسی ۲۴ آبان همان سال از محتوای اصول قانون اساسی این نظام که بر لزوم تطبیق تمامی قوانین و مقررات مدنی، جزایی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها با موازین اسلامی تأکید داشت، به‌عنوان اصل حاکم بر سایر اصول و مقررات نظام استقبال شایان توجهی کردند. ویژگی دیگر آنکه محتوای قانون اساسی جمهوری اسلامی ضمن برخورداری و به‌کارگیری صحیح عبارات و کلمات حقوقی جدید و به چالش کشاندن تازه‌ترین و پیشرفته‌ترین قوانین اساسی جهان مدرن به‌تشیخص برجسته‌ترین عالمان و فقیهان اسلام از احکام الهی ریشه گرفته است. بدین ترتیب ادعای بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است که خداوند به ملت مسلمان ایران ارزانی داشته است.هم‌اکنون این قانون پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب و پشت‌سر نهادن فراز و نشیب‌ها و تجارب ارزنده در اداره نظام و اجرای موفق سیاست‌های قضایی، اقتصادی و سیاسی، ارزش، توان علمی و دقت غایب از اثبات کرده است. با این حال جایگاه واقعی آن، همچنان برای بسیاری ناشناخته باقیمانده است. تاکنون به صورت پراکنده، تفسیرها و شرح‌هایی بر قانون اساسی به رشته تحریر درآمده است—که در جای خود غالباً مفید و سودمندند —اما در این میان جای پژوهشی که به صورت جامع به شرح مبانی دینی قانون اساسی بپردازد و تمام اصول و فصول قانون اساسی را دربر گرفته باشد، همچنان خالی است. پژوهش حاضر، ضمن بررسی اصول قانون اساسی، مبانی دینی آن اصول را به صورت مجزا یا در چارچوبی مشخص شرح کرده است…»

■ معصومه محرمی

سالگشت سقوط فرقه دموکرات آذربایجان، فرصتی مغتنم است تا در باب یکی از موضوعات مهم در این باره سخن رود. اینکه جریان مذهبی جامعه در بازگشت این بخش به مسام مبین تا چه میزان مؤثر بود؟ و مرجعیت و روحانیت در این میان چه نقشی را ایفا کرد؟ موضوع مقال بی آمده است. امید آنکه تاریخ پیش رو همان معاصر و عسوم علاقه‌مندان را مقید مقبول آید.

■■■■

■ منشأ پیدایش یک فرقه

شواهد نشان از آن دارد که پیدایش فرقه دموکرات آذربایجان، پیشاپیش از سوی استالین در اتحاد جماهیر طراحی شده بود. بدون آنکه روح جعفر پیشه‌وری و سران فرقه از آن خبر داشته باشند!اساساً هدف استالین و دولت شوروی، توسعه‌طلبی و آرزویش تجزیه آذربایجان و کردستان بود. بدون تردید فرقه دموکرات آذربایجان یک جنبش قائم به ذات و مستقل نبود و همانند انقلاب مشروطیت یا نهضت خیابانی از دل و فکر موطنان آذری ما سر برون نیاورده بود. مشروطیت و نهضت خیابانی، حرکت‌هایی آزادخواهانه و استقلال طلبانه علیه شاهان مستبد قاجار و حمایتگران خارجی آنان یعنی روس و انگلیس بودند، در صورتی که خمیرمایه پدیدارشدنی طوطی بود. بررسی سخنان و نوشته‌های پیشه‌وری ثابت می‌کند که وی تا قبل از سال ۱۳۲۴ هیچ گرایش به جدایی آذربایجان از ایران نداشته است. او در چندین مقاله از جمله «آذربایجان جزو لانگنک ایران»، با استناد به اصول قانون اساسی مشروطیت، انتقادات و پیشنهادهای رانسبت به انجمن‌های ایالتی و ولایتی مطرح می‌سازد، اما پایبندی به ایران واحد موضوعی است که همواره در مقالات وی موج می‌زند. به عنوان مثال «ما کار نداریم که این ابتدا چگونه بوده است، شاید آذربایجانی‌ها از جنس مغول‌ها هستند یا خراسانی‌ها از نسل عرب یا گیلانی‌ها از ملت دیگر آمده‌اند. اینها را امروز مدرک قرار دادن دیوانگی است. اینانیت ما فوق همه نوع اختلاف است.»

پیشه‌وری در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی از تبرزیه به مجلس راه یافت، اما در ۲۳ تیر ۱۳۲۳ اعتبارنامه او رد شد. این اتفاق، روزهای تاریک گذشته را در ذهنش تداعی می‌کند. بسیاری از محققین معتقدند که این مسئله، عامل اصلی انزوا و فروغلتیدن پیشه‌وری به دامن روس‌ها بوده است، به‌طوری‌که نقل‌شده، وی به هنگام دراعتبارنامه خویش با صراحت گفته است: «من به این سادگی‌ها دست‌بردار نیستم و خیلی زود حساب این مرتجعین مار کدار را خواهم رسیدارم تا پنجره بیرون رفتم، ولی از در وارد خواهم شد…» سیاست خارجی کشورهای قدرتمند و جدال آنان در عرصه جهانی برای کسب منافع بیشتر نقش اصلی را در تشکیل فرقه داشت. شوروی سعی می‌کرد تا در مقابل انگلستان – که سال‌ها سلطه خویش را در ایران حفظ کرده و آمریکا به به تاژگی سیاست انزوای‌طلبی را کنار گذاشته و در پی بسط و توسعه نفوذ خود در ایران بود– دامنه نفوذ خود را برای کسب منافع بیشتر افزایش دهد. هم از این روی درخواست انتقال نفت شمال از سوی شوروی، به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل پیدایش فرقه قلمداد می‌شود.

■ مخالفت علما با فرقه

حوزه علمیه تبرزیه پیش از ظهور رضاخان، بسیار پررونق بود و پنج مدرسه دایر داشت. در دوره سلطنت رضاخان، این کانون علمی از رونق افتاد و واژ میان پنج مدرسه فقط مدرسه طالبیه فعالیت می‌کرد. پس از سقوط قزاق، مدارس پنج گانه تبرزیه رونق گرفتند و طلاب بسیاری در آنها به کسب دانش پرداختند. پس از قتنه پیشه‌وری،

تاریخ

تاریخ ۰۶۰۲۸۵۲۳



نجف‌نما، یکی از نماز جماعت زنده‌یاد آیت‌الله العظمی سیدابوالحسن اصفهانی

آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی قصد داشت برای معالجه به ایران بیاید. وقتی **آین خیر منتشر شد، عوامل دموکرات و توده‌ای به کارشکنی پرداختند و مایه سیدسخنان سخیف گفتند و مایه ناراحتی مردم متدین شدند.** **آیت‌الله بر اثر این بیماری از دنیا رفت.** **بیشتر مردم آذربایجان که مقلد ایشان بودند، به عزای مرجع تقلید خود دینی مردم در عزای رهبر مذهبی خود به مقابله پرداختند و به جای همدلی، به پخش موسیقی پرداختند!** **این رفتارها عزم مردم را برای مبارزه با خائنان بیشتر و جدی‌تر کرد**

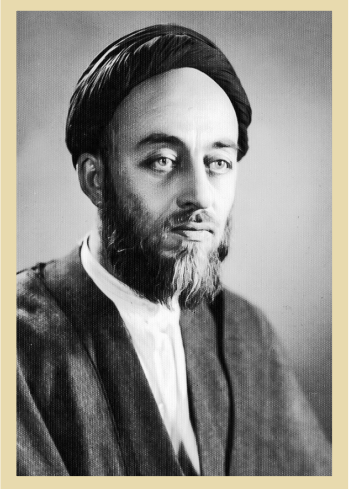
نیز در مجالس عمومی، مردم را نسبت به خطرات ارتش سرخ آگاه می‌کردند. حجت‌الاسلام شیخ محمدتقی اشراقی از سخنرانان برجسته قم در مجلس روضه آیت‌الله حجت چنین گفت: «حضرت آیت‌الله آذربایجان از دست رفت، تبرزیه را هم از ما گرفتند و همه را اشغال کردند. جمعی از علمای ما را کشتند و پول و اسکناس خودشان را رواج دادند…» او این سخنان را توأم با گریه که گریه حضار را هم در پی داشت، بیان می‌کرد.

علمای تهران برای نجات آذربایجان از چنگال سرخ‌ها به رایزنی نشستند. آیت‌الله سیدمحمد بهبهانی از نیروهای انگلیسی و روسی خواست تا ایران را ترک کنند. وی به عنوان بزرگ‌ک علمای تهران، نسبت به غائله آذربایجان اظهار نگرانی کرد و به نمایندگی از طرف ملت ایران و جامعه روحانیت، به وقایع آذربایجان و زمزمه شومی که از این ناحیه از کشور آغاز شد، حساسیت نشان داد. علمای تهران قطعنامه‌ای به امضای آیت‌الله بهبهانی و اسام جمعه به سفارت‌تخانه‌های آمریکا و شوروی و انگلیس فرستادند و خواستار تخلیه ایران از قوای خارجی شدند. هیئت علمیه تهران در این باره، نشست‌های کارگشایی تشکیل داد. قرار شد سدهای از فضلاء جوان حوزه، روانه زنجان و آذربایجان شوند و مردم را از عمق فاجعه آگاه‌سازند و فضای آرزو و وحشت تبرزیه را برطرف سازند و به مردم امید دهند. برخی از فضلاء حوزه نیز برای آماده‌کردن سربازان، به مراکز نظامی بروند و به نظامیان و سربازان مرعوب از قدرت ارتش سرخ امید دهند و اعتماد آنان را بسزای پیروزی توفیق کنند و در کنار این همه، کسانیی مأمور شدند تا درباره علل دین‌گریزی و گرایش جوانان به احزاب غیر اسلامی به مطالعه و بررسی بپردازند.

فره فرقه دموکرات آذربایجان به نام آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در شکست تجزیه‌طلبان بسیار اثر گذار بوده است. در این باره نوشته‌اند: «آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی قصد داشت تباری را معالجه

به ایران بیاید. وقتی این خبر منتشر شد، عوامل دموکرات و توده‌ای به کارشکنی پرداختند و علیه مرجعیت و سید اصفهانی، سخنان سخیف گفتند و پخش کردند و مایه ناراحتی مردم شدند و دین باور شدند. سید ابوالحسن بر اثر این بیماری از دنیا رفت. بیشتر مردم آذربایجان که مقلد ایشان بودند، به میدان آمدند و فضای ترس، وحشت و خفقان را در هم شکستند و به عزای مرجع تقلید خود نشستند. دموکرات‌ها که نمی‌توانستند عمق علاقه مردم به مرجع دینی خویش را درک کنند یا عوطف دینی مردم در عزای رهبر مذهبی خود، مقابله برداخته و به جای همدلی به پخش موسیقی پرداختند! این رفتارهای ناشایست، خشم مردم را علیه فرقه دموکرات بیش از پیش برانگیخت و عزم آنان را بسزای مبارزه با خائننان بیش‌تر و جدی‌تر کرد. اندک‌اندک شعارهای عزاداری، به شعارهای کوبنده علیه تجزیه‌طلبان تبدیل گشت و مردم عزادار به مرکز دموکرات‌ها حملور شدند و بنیان آن را از ریشه درآوردند! در اندک مدتی، مراکز فرقه دموکرات در شهرها به تصرف درآمده…»

■ ظلم و جنایات دموکرات‌ها در آذربایجان
فرقه دموکرات آذربایجان در ابتدا تحت پوشش دفاع از خواسته‌های قومی کار خود را انجام می‌داد، ولی سپس با اتکا به اتحاد شوروی، راه خود را به سمت کمونیسم کج کرد! همین امر موجب فاصله گرفتن این فرقه از اکثریت مردم آذربایجان شد که از یکسوی باورهای اسلامی و دینی داشتند و از سوی دیگر مخالف وابستگی به هر اجنبی بودند. فرقه دموکرات آذربایجان در طول یک سال حکومت خود ظلم و جنایت فراوانی کرد. از جمله می‌توان به جنایات شبه‌نظامیان موسوم به فداییان فرقه در برپایی دادگاه‌های غیرقانونی و انواع شیوه‌های آزار مردم اشاره کرد. دکتر محمد یگانه در بخشی از مصاحبه خود با تاریخ شفاهی هاروارد از ظلم و آشوبی که فرقه در زنجان به راه انداخته بود، چنین می‌گوید: «در سال ۱۳۲۴، فرقه دموکرات در زنجان حاکم بود و بعدها هم به زمان رسید که اطلاع دارید. آذربایجان و خمسه جای پیشه‌وری، به مدت یک سال خودمختار بود، بدست آوردند. در آن موقع، من در تهران تحصیلرا می‌کردم. پسرمد در زنجان بود. این‌در اوایل بود، ولی بعد از اینکه اوضاع قدری مشکل تر شد، پدرم به‌خاطر اینکه برایش خطری وجود داشت و ممکن



■ نقش سر مرجعیت شیعه در اضمحلال دولت پیشه‌وری
برخی از علمای آذربایجان برای مبارزه با الحاد و تجزیه‌طلبی، اقدامات فرهنگی و بنیادین را در برنامه علمی خود قرار دادند. علامه سیدمحمدحسین طباطبایی پس از اشغال آذربایجان از تبرزیه به قم آمد. دغدغه‌واج افکار الهادی به وسیله حزب توده و حزب دموکرات وی را واداشت تا به تقویت بن‌مایه‌های علمی و نقد افکار وارداتی بپردازد. این فاضل جوان به جای درس فقه و اصول لازم دید که طلاب جوان را با مبانی حکمت و کلام جدید آشنا سازد تا آنان افزون برتحکیم باورهای دینی، دکتر اراسی و دیگر رهبران فکری حزب توده از جمله تعلیمات علامه طباطبایی در آن روزگار بود. تحریم انتخابات مجلس پانزدهم از سوی آیت‌الله به‌وچرودی به علت اشغال آذربایجان پایه‌های حکومت پیشه‌وری را متزلزل ساخت و زمینه قیام مردم تبرزیه علیه حکومت خودخوانده پیشه‌وری را فراهم کرد. واعظان معروف

مجددأ طلاب پراکنده شدند. بااین حال بیست‌تر علما در تبرزیه ماندند. به عنوان مثال آیت‌الله حاج میرزا عبدالله مجتهدی از علمای دوراندیش آذربایجان در تبرزیه ماند و با هوشیاری تمام، رویدادهای این خطه را به ویژه تبرزیه رصد کرد. شیخ موسی زنجانی از طلاب جوان، به علت همراهی نکردن با دموکرات‌ها به دست غلام یحیی کشته شد! آیت‌الله سیدمحمدطالقانی، دانست اما نیکیز به شهادت رسیدن وی را چنین گزارش کرده است: «من اجمالی از وضع کشته شدن یک جوان منبری روحانی را که از برداش تشنیده شده، شرح می‌دهم. در اواخر ذی‌الحجه ۱۳۲۴ق که زنجان با کمک قوای روسیه به دست دموکرات‌های آذربایجان افتاد، آقای شیخ موسی یکی از محصلان مدرسه سعید (از مدارس مهمه زنجان) بود و در سبوم محرم بنا به خواهش اهالی قریه تبرزیه، برای تبلیغ احکام رفته و در منابر خود همیشه غالبیت جانب حق را از درگاه خداوند خواستار می‌شد. در این اثنا دموکرات‌ها به آن ده نفوذ کرده و مقررات آن آبادی را به دست می‌گیرند. خوششان می‌خورد که طرفداران شیخ موسی در خفا به او می‌گویند: بهتر است شما از این ده بروید، زیرا ممکن است دموکرات‌ها با تبلیغتان مخالف باشند و از این جهت به شما آسیبی برسانند. شیخ موسی که جوان و در دین متعصب بود، در جواب گفت من جز یک مبلغ دینی نیستم و با دموکرات‌ها سرو کاری ندارم و به علاوه هوا سرد و زمستان است و

^[1] روزنامه حقیقت، شماره ۹۳، خرداد ۱۳۰۱

^[2] مشاهدات من در زنجان، سید محمود طالقانی، به جای شماره ۳۸ بین اسلالم، ۱۳۲۵ ش، سایت کتابخانه تخصصی اسلام ناب ایران

^[3] مجله حوزه، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم

^[4] همان

^[5] نصرت الله جهانشلو، ما و بیگانگان، تهران، روزبهان

بود تاجر و مالکین و غیره و اینها را بگیرند از زنجان گریختند.
در صورتی که ایشان شخص سیاسی نبود، ولی یک عده را در زنجان گرفتند از جمله حاج علی اکبر توفیقی. ایشان اقدامات زیادی در این شهر کرده بود، از جمله مدرسه‌سازی. فرقه وی را اتیرباران کرد! در آن موقع من برای اینکه به فامیل کمک بکنم، به زنجان رفتم. پدرم از آنجا بیرون آمد. در آن موقع رئیس فرقه دکتر جهانشاهلو بود که بعداً معاون نخست‌وزیر شد، یعنی معاون پیشه‌وری و رئیس دانشگاه آذربایجان. ما با هم در دانشگاه تهران تحصیل می‌کردیم. ایشان در دانشکده طب بودند و من در دانشکده حقوق. از نزد یک با هم آشنا نبودیم، ولی از دور یکدیگر را می‌شناختم. وقتی به آنجا رفتم، مرا خواست و از من خواست تا مدعی العموم زنجان بشوم. من در آن موقع به آنجا گفتم اجازه بدهید بروم فکر بکنم. نمی‌شد یک مرتبه گفت نه! در صورتی که جواب من در همان اول نه بود. در زنجان فرقه دموکرات یک رئیس نظمیه‌ای گماشته بود که قبل‌ا کارش بابروی بود! یک گاری داشت که با آن بازرگی می‌کرد و سواد هم نداشت! اوقتی در حال خراج از زنجان بودم، مأموران نظمیه جلوی من را گرفتند! بعد اثنا به ما باز کرده و نگاه می‌کردند. در آن خیابان، رئیس نظمیه هم می‌گفتش و بعد مأمورین رفتند ایشان را آوردند که بیاید نگاه کنید آقای رئیس شهرتایی. ایشان هم که سواد ندارد، به او گفته بودند این بابا کتاب‌هایی با خودش می‌برد که نقشه‌های دنیا در آن وجود دارد. یک کتاب جغرافیا یا تاریخ بود که بعضی از این نقشه‌ها آرا داشت. این سطح این افراد بود که در آن موقع، حداقل در آن شهر داشتند حکومت می‌کردند و اینها خیلی وضع ناراحت‌کننده‌ای بود…»

■ بازگشت آذربایجان به مام وطن

^[1] در تشدید فعالیت فرقه و نارضایتی عمومی در آذربایجان، حکومت مرکزی ایران طی چند یادداشت به شوروی در خصوص حمایت این کشور از آنان تذکر داد، اما مخاطب اعتنایی نکرد و ایران به ناچار دست به دامن آمریکا شد. ایالات‌متحده آمریکا در پاسخ به استخدام پهلووی گفت بود: «ولت ایران حاضر به مخاصه با شوروی نیست»

^[2] در تشدید فعالیت فرقه و نارضایتی عمومی در آذربایجان، حکومت مرکزی ایران طی چند یادداشت به شوروی در خصوص حمایت این کشور از آنان تذکر داد، اما مخاطب اعتنایی نکرد و ایران به ناچار دست به دامن آمریکا شد. ایالات‌متحده آمریکا در پاسخ به استخدام پهلووی گفت بود: «ولت ایران حاضر به مخاصه با شوروی نیست»